

احمد شاه مسعود و وحدت ملی محمد اکرام اندیشمند

پس از فروپاشی حکومت داکتر نجیب الله در ثور 1371 خورشیدی که بی ثباتی و جنگ در پایتخت بصورت فزاینده شعله ور گردید و تشدید یافت، بسیاری از گروه ها و رهبران درگیر، به خصوص گروه های متحد و موتلف نظامی در جهت این فروپاشی، انحصارگرایی احمدشاه مسعود و امتناع وی را در تشکیل دولت مشترک و همگانی و یا به تعبیری، دولت وحدت ملی، عامل و یا یکی از عوامل اصلی این منازعه دوام دار و خونین تلقی می کردند. آیا واقعاً چنین بود؟

گلبدين حكمتيار رهبر حزب اسلامي كه نيروهاي خود را با همكاري متحدين داخل حكومت داکتر نجیب الله روز پنجم ثور 1371 برای تصرف پایتخت و تصاحب حکومت وارد شهر کابل کرد و آتش جنگ شعله ور شد، معاهده جبل السراج را میان احمدشاه مسعود، عبدالعلی مزاری و جنرال عبدالرشید دوستم، عامل جنگ وانمود می سازد. گفته می شد که در معاهده جبل السراج، احمدشاه مسعود به عنوان رئیس دولت، عبدالعلی مزاری صدراعظم و عبدالرشید دوستم وزیردفاع تعیین شده اند و هر سه طرف در پای این سند امضاء کرده اند. حکمتیار این معاهده را در آن زمان و تا تشکیل شورای هماهنگی در 11 جدی 1372 با دو طرف دیگر این معاهده که یک تناقض شگفت آوری در عملکرد او بود، توطئه و خیانت علیه جهاد و به قول او تشکیل دولت ائتلافی با کمونیستان و ملیشه های کمونیست تعریف می کرد که گویا برای مقابله با این توطئه، جز جنگ، راه دیگری نمانده بود. اما پس از سقوط حکومت نجیب الله که اختلاف و تنش در درون دولت اسلامی میان حزب وحدت به رهبری عبدالعلی مزاری و جنرال عبدالرشید دوستم و نیروهای او با احمدشاه مسعود وزیر دفاع این دولت بالا گرفت و به جنگ های خونین انجامید، این دوطرف ائتلاف آن روزهای نخستین، احمدشاه مسعود را متهم به سر پیچی از معاهده جبل السراج و انحصارگرایی در حکومت کردند و امتناع او را از تطبیق معاهده جبل السراج و اتخاذ سیاست انحصار در حکومت، عامل اصلی جنگ وانمود ساختند.

دروغی به نام معاهده جبل السراج:

نکته شگفت آور و قابل تامل این است که هیچ کدام از سه طرف مدعی معاهده جبل السراج که جنگ را با احمدشاه مسعود و دولت مجاهدین به این معاهده پیوند می دهند، متن این معاهده را هیچگاه منتشر نکردند و آن را در اختیار مطبوعات نگذاشتند. من در سال های 1371 و 1372 در ریاست نشرات رادیو افغانستان بارها از خلیل یار عضو جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق معاون نشرات داخلی این ریاست که از فاریاب و از فعالان بخش فرهنگی جنبش ملی بود و از عدم تطبیق معاهده جبل السراج توسط احمدشاه مسعود شکوه داشت خواهان متن این معاهده شدم و استدلال کردم که انتشار این معاهده در واقع حقانیت موضع و شکایت شما را نشان می دهد و ثابت می کند. خلیل یار با اطمینان گفت که کاپی این معاهده را از اشرف شهکار که مسئول فرهنگی جنبش است به دست می آورم. اما هیچگاه

وی متن معاهده مذکور را به دست نیاورد. من یک بار به جنرال مجید روزی که قوماندان نیروهای جنرال عبدالرشید دوستم یا نیروهای جنبش ملی در کابل بود و تا اسد سال 1371 شماری از این نیروها محافظت از ساختمان رادیو تلویزیون دولتی را در وزیراکبر خان به عهده داشتند، مراجعه کردم و از او خواستم تا متن معاهده جبل السراج را در اختیار مطبوعات بگذارد. او نیز به وعده خود مبنی بر ارسال کاپی این معاهده، عمل نکرد. در قوس 1371 با ابوذر از قومندانان حزب وحدت اسلامی و از فرماندهان اصلی و مورد اعتماد عبدالعلی مزاری رهبر این حزب بر سر اختلافات و تنش های فزاینده میان حزب وحدت و رهبری آن با احمدشاه مسعود و دولت اسلامی صحبت مفصل تلفونی داشتم و از او نیز که به سرپیچی احمدشاه مسعود از معاهده جبل السراج انگشت می گذاشت، خواستم تا متن این معاهده را منتشر کنند. حزب وحدت نیز متن چنین معاهده ای را منتشر نکرد.

پافشاری به تشکیل دولت مشترک:

در یکی از روزهای میزان 1371 بود از آمرصاحب (احمدشاه مسعود) پرسیدم که آیا شما در جبل السراج در اواخر حمل 1371 با جنرال دوستم و عبدالعلی مزاری موافقت نامه تشکیل دولت مشترک را امضا کردید که بر مبنای آن، شما رئیس دولت، عبدالعلی مزاری صدراعظم و عبدالرشید دوستم معاون صدراعظم و وزیر دفاع مشخص شده باشد؟ ایشان پاسخ داد: «نه. آن ها که با جمعی از فرماندهان و متنفذین مردمی پس از آنکه ما شهر چاریکار را تصرف کردیم (24 حمل 1371)، از شمال به جبل السراج آمدند و چنین طرح و پیشنهادی را مطرح کردند. من نپذیرفتم و برای شان گفتم که بیایید ما و شما شورای جهادی را بسازیم و از همه قوماندانان مجاهدین دعوت می کنیم وارد شورا شوند تا اگر حکومت نجیب الله حاضر به تسلیم دهی قدرت به مجاهدین نشد از راه عملیات نظامی مشترک او را وادار کنیم. تشکیل دولت را به رهبران تنظیم ها بگذاریم و یک دولت مشترک از همه به وجود بیاید. زیرا در افغانستان همه تنظیم ها و مجاهدین در جهاد سهم داشتند و در دولت نیز همه باید مشارکت داشته باشند.»

صرف نظر از اینکه احمدشاه مسعود بنا بر چه انگیزه و اهدافی، پیشنهاد دولت مشترک و سه جانبه را با جنرال دوستم و عبدالعلی مزاری نپذیرفت، نکته قابل توجه به دیدگاه و سیاست وی در نخستین طرح شکل دهی دولت به تشکیل دولت مشترک تنظیم های جهادی و توسط رهبران این تنظیم ها بر می گردد. مسعود می توانست به این طرح عمل کند و دولت مشترکی را با رهبر حزب وحدت و عبدالرشید دوستم با بخشی از حکومت داکتر نجیب الله تشکیل دهد. شاید جنگ و جبهه جنگی که در برابر او ایجاد گردید، گسترده تر و شدید تر از آنچه که واقع شد، نمی بود. برخی ها، امتناع احمدشاه مسعود از توافق به این پیشنهاد و تشکیل دولت سه جانبه و دعوت او از رهبران تنظیم های جهادی مستقر در پشاور را، اشتباه کلان وی تلقی و ارزیابی می کنند. اما این تلقی، نادرست و خود یک اشتباه است.

تاکید به دولت مشترک و همگانی در مذاکرات "شینه":

احمدشاه مسعود و گلبدین حکمتیار با میانجگری شهزاده نیف از شاهزادگان عربستان سعودی، جنرال حمیدگل رئیس اسبق آی اس آی و اعجازالحق پسرجنرال ضیاءالحق روز چهارم جوزای 1371 در منطقه "شینه" واقع حومه جنوب شرقی کابل به مذاکره پرداختند تا راه حلی برای توقف جنگ و ایجاد صلح بیابند. هرچند این مذاکره به امضای موافقت نامه آتش بس و تأمین صلح میان طرفین انجامید، اما این صلح پایدار نماند.

وقتی احمدشاه مسعود یک روز بعد به جمعی محدودی در وزیر اکبر خان کابل گفتگوهای شینه را توضیح می کرد، از مذاکرات خصوصی و تنهایی خود با حکمتیار رهبر حزب اسلامی سخن گفت و اظهار کرد: «حکمتیار در مذاکرات خاص و دو نفری از من تقاضای تشکیل حکومت مشترک را نمود. استدلال او این بود که تنظیم ها و گروههای دیگر نقش و نیرویی در افغانستان ندارند. ما با تشکیل یک حکومت مشترک قوی میتوانیم به ثبات دایمی دست بیابیم. اما من تقاضای او را رد کردم و گفتم که در افغانستان تمام تنظیم ها در جهاد و مبارزه سهیم بوده اند و دولت را نمیتوان از یک یا دو گروه تشکیل داد و دولت باید ممثل خواست تمام مردم و گروه های مختلف باشد. البته حکمتیار در این خواسته اش نیز صداقت نداشت و فقط در صدد بهره برداری به نفع خود بود.»

دیدگاه احمدشاه مسعود در مورد دولت مشترک از موافقت نامه اسلام آباد تا اجلاس جلال آباد و شورای هرات:

وقتی رهبران تنظیم های جهادی با مشارکت گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی که با میانجگری پاکستان موافقت نامه اسلام آباد را امضا کردند که بر مبنای آن استاد ربانی به عنوان رئیس دولت و گلبدین حکمتیار صدراعظم تعیین شدند، احمدشاه مسعود علی رغم نارضایتی شدید از این موافقت نامه که آن را طرح و توطئه آی. اس. آی می خواند، حمایت کرد.

با آغاز سال جدید 1372 رهبران احزاب مجاهدین با وساطت و پا در میانی پاکستان در اسلام آباد گرد آمدند تا در مورد تأمین صلح، مذاکرات و توافقاتی بعمل بیاورند. در نتیجه مذاکرات آنها که پشت درهای بسته و با حضور میزبانانشان به شمول رئیس استخبارات عربستان سعودی صورت گرفت، موافقت نامه ای را در هفدهم حمل 1372 به امضاء رسانیدند که به موافقت نامه اسلام آباد معروف گردید. متن موافقت نامه به زبان انگلیسی تهیه شده بود و رهبران احزاب که برخی از آنها زبان انگلیسی را نمی فهمیدند در پای همان متن انگلیسی امضاء کردند.

امضاءکنندگان موافقت نامه اسلام آباد بعد از پایان جلسات و امضای موافقت نامه، برای زیارت خانه کعبه راهی عربستان سعودی شدند. و سپس رهبران احزاب اسلامی در دهم ثور 1372 در شهر جلال آباد گرد آمدند تا کابینه جدید حکومت حکمتیار را تعیین و معرفی کنند. احمدشاه مسعود در کابینه جدید از وزارت دفاع برکنار گردید. این در حالی بود که احمدشاه مسعود یکسال قبل از این رهبران خواست تا برای تحویل گیری قدرت از حکومت داکترنجیب الله، حکومت خود را

تشکیل دهند و به کابل بیایند. احمدشاه مسعود وزارت دفاع را ترک گفت و به جبل السراج رفت. گلبدین حکمتیار از ورود به مقر صدارت در شهر کابل امتناع ورزید و وزیران کابینه خود را برای تدویر جلسات کابینه به چهارآسیاب، قرارگاه نظامی خود فرا می خواند.

روپهمرفته توافقنامه اسلام آباد به پایان جنگ و تامین صلح نیانجامید و جنگ با تشکیل شورای هماهنگی میان گلبدین حکمتیار، عبدالرشید دوستم و عبدالعلی مزاری برای تصرف پایتخت در یازدهم جدی 1372 وارد مرحله خونین و گسترده شد. احمدشاه مسعود در تابستان 1373 که شورای هرات برای بررسی راه های صلح از سوی محمداسماعیل خان والی هرات تشکیل شده بود در صدد آن شد تا از شورا در جهت یک دولت فراگیر و مورد توافق همه استفاده کند؛ هر چند که عبدالعلی مزاری و گلبدین حکمتیار تقاضای محمداسماعیل خان را که خود به مراکز آن ها رفت، مبنی بر مشارکت در شورا تردید کردند و هواپیماهای جنرال دوستم دوبار شهر هرات را در زمان تدویر شورا مورد بمباران قرار داد.

شورای هرات توسط محمد اسماعیل خان والی هرات در 28 سرطان 1373 با شرکت بیش از یک هزار نفر از بسیاری ولایات کشور و پناهندگان افغان مقیم اروپا، امریکا و ممالک عربی در شهر هرات تشکیل شد. داکتر محمدیوسف صدراعظم دوران سلطنت محمدظاهرشاه یکی از افراد شرکت کننده در شوار بود. احمدشاه مسعود در روزهای پایان جلسات شورا استعفای استاد ربانی رئیس دولت اسلامی و ایجاد یک دوره کوتاه انتقالی را به عنوان ابتکار سیاسی به شورای هرات در مجالس اختصاصی و محدود رهبری دولت مطرح کرد. او این اقدام را در سطح ملی و بین المللی با اهمیت می پنداشت و استعفای رئیس دولت را نه بر اساس فشار خارجی و نه در یک توافق بیرون مرزی میان گروه ها، بلکه بصورت داوطلبانه به شورا و مجمعی که از مردم افغانستان تشکیل یافته بود ارزیابی میکرد. اما این طرح و پیشنهاد احمدشاه مسعود بنا بر مخالفت برخی در درون دولت تحقق نیافت و شورای هرات بدون دست آوردی در عرصه سیاسی و نظامی به کار خود پایان داد.

تلاش نافرجام برای صلح و دولت مشترک با طالبان:

ظهور طالبان در آستانه تدویر شورای هرات و تسلط سریع آن ها به ولایات جنوب، جنگ را وارد مرحله دیگر ساخت. احمدشاه مسعود در آغاز از طالبان استقبال کرد تا در همکاری متقابل با آن ها، صلح و ثبات پایدار را در افغانستان شکل دهد. اما پیشروی طالبان بسوی کابل، تصرف چهار آسیاب مقر حکمتیار و غرب کابل مناطق تحت کنترل حزب وحدت به رهبری عبدالعلی مزاری تا 27 دلو 1373 و سال بعد سقوط هرات در 14 سنبله 1374 خورشیدی، نشان داد که طرح دستیابی به صلح و ثبات در همراهی و مشارکت با طالبان، طرح غیر قابل دسترس و غیرعملی است.

احمدشاه مسعود در بیست و دوم دلو 1373، یک روز بعد از سقوط میدانشهر بدست طالبان بصورت ناگهانی در یک ریسک بسیار خطرناک وارد شهرک مذکور گردید و با ملا ربانی معاون ملاعمر رهبر طالبان به مذاکره پرداخت. حمله طالبان

برای تصرف پایتخت پس از این مذاکره، حکایت از ناکامی مذاکره داشت. اما احمدشاه مسعود در تمام سال های جنگ و مقاومت علیه طالبان هم چنان به مذاکره و تشکیل دولت مشترک و مورد قبول همه طرف ها متعهد باقی ماند. مذاکرات عشق آباد با طالبان یکی از جدی ترین مذاکراتی بود که حتی پس از اعلان دست یابی توافقاتی در این مذاکرات از سوی هیات مذاکره کننده طالبان، بلافاصله توسط رهبر طالبان تردید شد.

مذاکرات عشق آباد در ترکمنستان میان هیئات طالبان بریاست وکیل احمد متوکل وزیر خارجه طالبان و هیئات جبهه متحد بریاست محمد یونس قانونی در 22 حوت 1377 (13 مارچ 1999) انجام یافت. رؤسای هیئات بعد از دو روز مذاکره، توافق خود را برسر تشکیل حکومت مشترک و آزادی اسیران طرفین اعلان کردند. اما بعد از بازگشت هیئات، ملا عمر رهبر طالبان توافقات را مورد تردید قرار داد و خواستار تسلیمی بلا قید و شرط احمدشاه مسعود و تمام مخالفان خود شد. طالبان تقاضای اخضر ابراهیمی نماینده سازمان ملل را در از سر گیری مذاکرات نیمه تمام عشق آباد با این اظهار که چون مخالفان، امارت اسلامی را نمی پذیرند، رد کرد. و پاسخ سازمان ملل در تردید رهبر طالبان برای مذاکرات صلح فقط این بود: "ما نا امید و شگفت زده شدیم."

دولت مشترک با گلبدین حکمتیار در شهر کابل:

احمدشاه مسعود علی رغم سقوط شورای هماهنگی در کابل پس از تسلط طالبان بر چهار آسیاب، به تشکیل دولت مشترک با احزاب شامل شورای مذکور علی رغم نارضایتی شدید از گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی تن در داد. هر چند جنرال دوستم و حزب وحدت در مذاکرات بر سر حکومت مشترک سهم نگرفتند، اما مذاکره با حزب اسلامی حکمتیار ادامه یافت. این مذاکرات که نخست از تهران و با میانگیری ایرانی ها آغاز یافته بود بعد از قوس 1374 در داخل کشور ادامه یافت و پس از گفتگو های طولانی منجر به توافقنامه ماهیپر گردید. توافقنامه مذکور روز چهارم جوزای 1375 (1996) توسط استاد برهان الدین ربانی رئیس دولت اسلامی و گلبدین حکمتیار امیر حزب اسلامی در مهمانخانه بند برق ماهیپر امضاء شد. این توافقنامه، حکمتیار را به کرسی صدارت نشانده و وزارت دفاع نیز به حزب او داده شد. وی در هفتم سرطان 1375 به پایتخت آمد. طالبان با راکت باران شدید شهر در آنروز که 150 نفر کشته و زخمی بجا گذاشت به ورود حکمتیار عکس العمل نشان دادند. اما این حکومت مشترک با حکمتیار مانع سقوط پایتخت به دست طالبان نشد و طالبان کابل را تصرف کردند.

رابطه و مذاکره با محمدظاهرشاه بر سر ایجاد صلح و دولت وحدت ملی:

محمدظاهر شاه پادشاه اسبق که در شهر روم ایتالیا به سر می برد بعد از خروج قوای شوروی و سقوط حکومت داکترنجیب الله در عرصه سیاسی فعال گردید و فعالیت سیاسی وی با ظهور طالبان در سال 1373 افزایش یافت. به هرحدیکه طالبان از لحاظ نظامی قوت بیشتر میافتند، پیروزی بیشتر کسب میکردند و مناطق

بیشتر را متصرف می‌گردیدند، به تلاش و فعالیت شاه سابق هم افزوده می‌شد. زمانیکه نیروهای طالبان در سنبله 1375 با دستیابی به ولایات شرقی ننگرهار، کنرها و لغمان در آستانه تصرف شهر کابل قرار گرفتند، وزیر یکی از سخنگویان پادشاه سابق به رادیو بی بی سی گفت که اعلیٰ حضرت آماده است در ظرف یکی دو هفته آینده به افغانستان برود. اما بعد از سقوط کابل که شاه و هوادارانش برگشت مجدد را آسان و عملی نیافتند، از گرمی هیجانات اولیه تحرکات سیاسی کاستند و به جای صحبت از بازگشت قریب الوقوع شاه، از تدویر لویه جرگه اضطراری سخن گفتند.

احمدشاه مسعود حمایت خود را از طرح لویه جرگه اضطراری اعلان کرد و پس از آن وارد ارتباط و مذاکره با شاه و هوادارانش در روم گردید. این درحالی بود که طالبان بعد از تسلط به پایتخت با هرگونه تلاش محمد ظاهر شاه غرض حل بحران افغانستان از راه سیاسی ساز مخالفت می‌زدند و تدویر لویه جرگه را غیر ضروری و نادرست تلقی میکردند.

فعالیت شاه و هوادارانش که بیشتر روی تدویر لویه جرگه متمرکز می‌گردید در میان حلقه‌های خارجی به ویژه در ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا علاقمندان و حامیانی پیدا کرد. در آغاز ظهور طالبان که این علاقه و حمایت به برخی افراد و عناصر غیر مؤثر در دستگاه حکومت آمریکا و مجلس کانگریس محدود می‌شد، سالهای بعد با یابیگری‌های فزاینده طالبان در برابر آمریکا و جامعه بین‌المللی علاقه و پشتیبانی آمریکایی‌ها به شاه اسبق افزایش یافت. در اواخر ثور 1379 (می 2000) در واشنگتن بصورت رسمی اعلان شد که دولت آمریکا برنامه صلح افغانستان را در چوکات طرح محمد ظاهرشاه فعالانه پیش میبرد.

نخستین همایش و اجلاس مشترک طرفداران شاه و جبهه متحد اسلامی در اواخر سرطان 1377 (جولای 1998) در شهر بن آلمان صورت گرفت. و مجلس مشابه دیگر یکسال بعد در هشتم سرطان 1378 (29 جون 1999) در روم پایتخت ایتالیا دایر گردید. در همین مجلس به تشکیل لویه جرگه اضطراری که طرح آن توسط شاه در بیستم ثور 1378 (15 می 1999) ارائه گردیده بود توافق بعمل آمد. مجلس بعدی در اول قوس 1378 (22 نومبر 1999) بازهم در روم در یک ساختمان قوای مسلح ایتالیا تدویر یافت. در این اجلاس کمیته‌های سه‌گانه جهت برگزاری لویه جرگه اضطراری تشکیل گردید و هیئات متعددی از سوی شاه مذکور با گروه‌های مختلف افغانی و کشورهای خارجی گماشته شد. جلسه دیگری از طرفداران شاه سابق که نمایندگان احمدشاه مسعود در آن شامل بودند در 16 میزان 1379 (6 اکتوبر 2000) مجدداً در آلمان دایر گردید. حمایت احمدشاه مسعود از طرح لویه جرگه اضطراری شاه سابق و مذاکرات نمایندگان وی با شاه و گروه روم مبنای تشکیل دولت پس طالبان پس از شهادت وی قرار گرفت.

نتیجه:

نکته بسیار روشنی که از این مباحث استنتاج می‌شود، دیدگاه و باور احمدشاه مسعود به گفتمان سیاسی و تشکیل دولت مشترک و فراگیر در تمام سال‌های

است که او نقش محوری در تحولات نظامی و سیاسی افغانستان دارد. از 27 حمل 1371 که طرح دولت مشترک سه جانبه را با عبدالرشید دوستم و عبدالعلی مزاری رد می کند و به تشکیل دولت همه احزاب و تنظیم ها توسط رهبران شان تاکید می ورزد، تا 18 سنبله 1380 به تشکیل دولت مشترک و قابل قبول همه در جهت صلح و ثبات و ختم جنگ، تلاش می کند. آنگونه که در این مقاله می خوانیم او در این سال ها، به هر دروازه ای تک تک می کند، هر دستی را می فشارد و به هر صدایی لبیک می گوید تا با ایجاد توازن و تعادل بر سر تقسیم قدرت سیاسی، دولت مشترک بسازد و به جنگ و بی ثباتی نقطه پایان بگذارد.